





دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده هنر

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته پژوهش هنر

عنوان:

«محمد زمان، به دنبال حقیقت»

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر فاطمه کاتب

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر منصور حسامی

دانشجو:

مهساسادات سکاکی

اسفند ۱۳۸۸

با تشکر از تمام عزیزانی که مرا در این راه همراهی نمودند ...

چکیده:

رساله حاضر پژوهشی است در خصوص «محمد زمان» نگارگر نامدار سده یازدهم هجری قمری مکتب اصفهان. در اینجا، نگارنده سعی نموده است که ابعاد مختلف زندگی و داستانهای پیرامون آن را که حاصل نظریات هنرپژوهان مختلف می‌باشد، مورد بازخوانی قرار داده و با بررسی و تجزیه و تحلیل گزیده ای از آثار او به رد یا اثبات فرضیات آن پردازم. محمد زمان نگارگری است که به سبب ابداع و نوآوری در کارش در تاریخ نقاشی ایران حائز اهمیت است. لذا بررسی مجدد نگاره‌های وی از زاویه ای دیگر، دریچه ای جدید از شخصیت هنری او را پیش رو قرار می‌دهد.

مطالعه هنر محمد زمان به روش تجزیه و تحلیلی بصری گزیده ای از نقاشی‌های موجود وی صورت گرفته که از چندین منبع مکتوب اعم از مقاله، کتب، اینترنت جهت جمع آوری و تطبیق اطلاعات استفاده شده و نتایج زیر حاصل این تحقیق می‌باشد:

آنطور که از شواهد پیداست، محمد زمان هرگز جهت تحصیل نقاشی از ایران خارج نشده و به دین مسیحی نگرویده و تنها به صرف تجربه اندوزی در هنر اروپایی به الگوبرداری از نقاشی‌های اروپایی و یا هندی که در آن زمان توسط تجار و سیاحان اروپایی و ارمنیان ساکن جلفای نو در اصفهان، به ایرانیان معرفی می‌شده، پرداخته، و تحت تاثیر آنها شیوه خاص خود را در نگارگری ایجاد نموده است. و همچنین حضور موضوعات مسیحی در نقاشی محمد زمان را نمی‌توان دلیلی کافی برای اعزام او به ایتالیا دانست زیرا او مجالس مذهبی دیگری چون ذبح اسماعیل را با مضمونی اسلامی و روشی اروپایی نقاشی کرده است. و نکته مهم دیگر اینکه گرایش نقاشانی چون محمد زمان به نقاشی اروپایی تنها یک ضرورت برای تحول در نقاشی ایرانی در شرایط اجتماعی و فرهنگی آن دوران، و همچنین ادامه‌ی سابقه رویکرد واقعگرایانه نگارگران پیشین و سرمشق قرار دادن هنر نقاشی وارداتی از طرف غرب، محسوب می‌گردد.

صفحه	فهرست مطالب:
	چکیده
۱.....	مقدمه.....
	فصل اول:
۳.....	کلیات تحقیق.....
	فصل دوم:
۱۳.....	آشنایی با ایران دوره صفوی (سده یازدهم هجری قمری).....
	فصل سوم:
۳۱.....	شرح احوال و داستان های مختلف پیرامون زندگی و هنر محمد زمان از زبان هنرشناسان.....
	فصل چهارم:
۵۷.....	محیط هنری محمد زمان
	فصل پنجم:
۶۳.....	بررسی و تجزیه و تحلیل گزیده‌ای از آثار محمد زمان
۹۲.....	سخن پایانی (نتیجه)
۹۸.....	تصاویر
۱۴۴.....	فهرست منابع و مآخذ
۱۴۶.....	کتابشناسی
۱۴۷.....	فهرست منابع تصاویر
۱۵۲.....	چکیده انگلیسی

مقدمه

همانطور که از نام رساله «محمد زمان، به دنبال حقیقت» برمی‌آید، موضوع بررسی، تحلیل نقاشی‌های محمد زمان است، جهت پی بردن به حقیقت آنچه که در مسیر زندگی هنری او رخ داده است. و همچنین بازخوانی داستان زندگی محمد زمان بر طبق آنچه که هنرشناسان آنرا نقل کرده‌اند، جهت نقدی دوباره. وی به سبب نوآوری و وسعت تاثیر بر دیگر هنرمندان پس از خود، یکی از شخصیت‌های برجسته بعد از بهزاد و رضا عباسی در تاریخ هنر نگارگری به شمار می‌رود. او هنرمندی است که با بکارگیری برخی از اسلوب‌های طبیعت‌پردازی به ابداع شیوه خاصی در نقاشی ایران پرداخت که تلفیقی است از عناصر نقاشی اروپایی، هندی و ایرانی.

از اوایل سده بیستم میلادی تاکنون پژوهش‌های بسیاری در خصوص زندگی و هنر محمد زمان صورت گرفته است. لذا ابهامات و نقاط تاریک زندگی وی که به دلیل نبودن مستندات محکم همچنان باقی است، هر مخاطب جستجوگر تشنه به حقیقتی را تحت تاثیر قرار داده و سوالات بسیاری را مطرح می‌سازد. از آن جمله؛ آیا داستانی را که بسیاری از هنرپژوهان خارجی و ایرانی پیرامون زندگی محمد زمان نقل می‌کنند مبنی بر اروپا رفتن و مسیحی شدن، را می‌توان با بررسی و شناخت آثار وی، قبول یا رد کرد؟ آیا گرایش نقاشانی چون محمد زمان به نقاشی اروپایی را می‌توان تنها ضرورت تحول نقاشی در شرایط اجتماعی و فرهنگی آن زمان دانست؟

این پژوهش به روش تحلیل بصری و با مطالعه و یادداشت برداری از چندین کتاب به انجام رسیده است. تجزیه عناصر و بررسی مضامین گزیده‌ای از تصاویر و مشاهده

دقیق آنها نتایج نسبتاً درستی را به بار می‌آورد، به ویژه از این نظر که آثار نقاش مورد بحث دریچه‌ای جهت شناخت زندگی شخصی قرار گرفت و اهمیت خود را نمایان ساخت. و همچنین شناخت آثار، ما را در جهت شناخت هر چه بیشتر نقاشی ایرانی اواخر سلسله صفویان یاری می‌رساند. مکتب اصفهان، به ویژه در اواخر سده یازدهم به دلیل تحت تاثیر قرار گرفتن از هنر اروپایی حوزه ای مهم در تاریخ هنر ایران به شمار می‌آید. زیرا همزمان در این دوره، اروپا دوران روشنگری را تجربه می‌کند و این در حالیست که ایرانیان روز به روز هنر اصیل خود را به دست فراموشی می‌سپارند.

ساختار این پژوهش چنین است که در فصل اول به کلیات تحقیق (مانند فرضیات، پرسش‌های پژوهش، جامعه آماری و ...) می‌پردازد. در فصل دوم با دربار شاهان، وقایع حکومتی، ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سلسله دویست ساله صفوی جهت شناخت کلی از چگونگی شکل‌گیری بستر هنر آن دوران آشنا خواهیم شد. در فصل سوم داستانهای مختلفی که پیرامون زندگی و هنر محمد زمان از زبان هنرشناسان مختلف بیان شده است مورد بازخوانی و بررسی قرار می‌گیرد. و در فصل چهارم محیط هنری و در فصل پنجم به تجزیه و تحلیل تصاویر پرداخته که نتیجه‌گیری و سخن آخر در مجموعه تحقیقات به ثمر می‌رسد.

نبود دلایل مستند معتبر تاریخی مرتبط با زمان تولد، مرگ و یا دیگر وقایع زندگی محمد زمان سبب شده است که هنوز بسیاری از مسائل در پرده ابهام باقی بماند. در هر حال نگارنده در آغاز راه است و امید است با مطالعات تطبیقی و فرصت بیشتر تا حدی بتوان ابعاد دیگر این تحقیق را روشن ساخت. به هر حال این تحقیق خالی از اشکال نبوده، بلکه

گامهای آغازین برای مطالعه در این زمینه بوده و کاستی‌های آن به دلایل مذکور، احتمالاً قابل اغماض خواهد بود تا مشوقی برای محققین جوان جهت ادامه تحقیق یا انتخاب زمینه‌های بکر و کمتر مورد توجه قرار گرفته، باشد.

فصل اول:

کلیات تحقیق

کلیات تحقیق:

۱-۱- بیان مسئله

با توجه به اهمیت تجزیه و تحلیل بر روی هنرها، باید در نظر گرفت که این مهم در هنر نگارگری ایران نیز می تواند مصداق جایگاه ویژه ای را در شناخت شخصیت‌های برجسته تاریخ نقاشی ایران پیدا کند. لذا بررسی و تجزیه و تحلیل گزیده ای از نقاشی های «محمد زمان»، نقاش، تصویرگر و اولین قلمدان نگار ایرانی اواخر دوره صفویه (حدوداً ۱۰۴۹ تا ۱۱۲۰ ه.ق)، از اهداف اصلی این پژوهش است. وی به سبب نوآوری و وسعت تاثیر بر دیگر هنرمندان پس از خود، یکی از شخصیت‌های برجسته بعد از بهزاد و رضا عباسی در تاریخ هنر نگارگری به شمار می رود. او هنرمندی است که با بکارگیری برخی از اسلوب‌های طبیعت پردازی به ابداع شیوه خاصی در نقاشی ایران پرداخت که تلفیقی است از عناصر نقاشی اروپایی، هندی و ایرانی.

در شرح حال او نوشته اند که وی به فرمان شاه عباس دوم صفوی برای هنرآموزی به رم فرستاده شد و در آنجا نیز تغییر دین داد و به مسیحیت گروید و از آنجا نیز از ترس روحانیون و دربار صفوی به دربار شاه گورکانی هند گریخت و بعد از سالها دوباره به ایران بازگشت. اما برخی دیگر معتقدند که نه تنها وی هرگز از ایران خارج نشده، بلکه تغییر دین نداده است و احتمالاً محمد زمان دربار گورکانیان هند، تنها با این محمد زمان دارای تشابه اسمی است.

لذا به جهت ابهامات و نکات ناروشتن بسیاری که در مورد زندگی و چگونگی هنرآموزی این هنرمند نوآور و خلاق وجود دارد، بررسی و تجزیه و تحلیل آثار وی، تنها روزنه‌ی امیدی است جهت پاسخگویی به سوالات بی‌پاسخ مانده و مجهول پیرامون زندگی و هنر وی.

۱-۲- پرسش‌های پژوهش:

۱- آیا هر سه امضای «محمد زمان»، «یا صاحب الزمان» و «زمان» به یک شخص تعلق دارند؟

۲- آیا داستانی را که بسیاری از هنرپژوهان خارجی و ایرانی پیرامون زندگی محمد زمان نقل می‌کنند مبنی بر اروپا رفتن و مسیحی شدن، را می‌توان با بررسی و شناخت آثار وی، قبول یا رد کرد؟

۳- و اگر محمد زمان به اروپا اعزام نشده، چگونه و تحت تاثیر چه عواملی و زیر دست چه استادانی به هنرآموزی پرداخته که توانسته‌اند با تاثیرپذیری از هنر اروپایی و تلفیق عناصر هنر اروپایی، هندی و ایرانی به ابداع شیوه خاصی در نقاشی ایرانی پرداخته و بسیاری از هنرمندان نسل‌های بعد از خود را تحت تاثیر اسلوب ویژه نقاشی خود قرار دهد؟

۴- وجود موضوعات و مضامین مسیحی در نقاشی‌های او به چه دلیل بوده است؟

۵- وجود عناصر نقاشی گورکانیان هند در آثار او تا چه حد و به چه دلیلی بوده است؟

۶- آیا او به دلیل تاثیرپذیری از نقاشی اروپایی و هندی به یکباره تمام عناصر نقاشی ایرانی و ارزشهای سنتی آن را به کنار گذاشته و به طبع آزمایی و تقلید بی چون و چرا نقاشی اروپایی می پردازد؟ و یا گونه ای به تاثیرپذیری از نقاشی اروپایی می پردازد که موجب تغییری مهم در طرز دید و اسلوب نقاشی ایرانی می گردد؟

۷- آیا گرایش نقاشانی چون محمد زمان به نقاشی اروپایی را می توان تنها ضرورت تحول نقاشی در شرایط اجتماعی و فرهنگی آن زمان دانست؟

۱-۳- اهداف پژوهش و ضرورت آن

۱- بررسی بیشتر زندگی محمد زمان به عنوان یکی از هنرمندان برجسته تاریخ نقاشی ایران بعد از بهزاد و رضاعباسی، و تحلیل نکات مبهم سرنوشت هنری وی در آن زمان.

۲- بررسی و تجزیه و تحلیل گزیده ای از آثار برجسته وی و آشنایی با شیوه خاص و تلفیقی او از عناصر اروپایی، هندی و ایرانی. (بررسی و شناخت ویژگیهای سبک ابتکاری وی و قلم اش).

۳- پی بردن به این نکته که آیا هر سه اعضای «محمد زمان»، «یا صاحب الزمان» و «زمان» متعلق به یک نفر و آن هم شخص محمد زمان است یا خیر.

ضرورت تحقیق:

هنرشناسان معتقدند که محمد زمان با تلفیق آگاهانه عناصر نقاشی اروپایی و هندی و ایرانی و با هدف ایجاد تحول در سنت نگاری نظام زیبایی شناسی نگارگری قدیم ایرانی و

البته حفظ برخی از ارزشهای سنن آن، تغییری مهم در طرز و دید و شیوه نقاشی ایرانی اواخر دوره صفویه به وجود آورد، که سرمشقی برای نگارگران و هنرمندان بعدی قرار گرفت. علی ای حال در بسیاری از مقالات و پژوهشهای خارجی و داخلی، هنرپژوهان بیشتر به بسط و گسترش داستان متفاوت زندگی وی پرداخته، که به دلیل نبود اسناد تاریخی معتبر درباره ی محمد زمان، گاه نکات مبهم و ناروشن پیرامون وی پررنگ تر گشته و شناخت ما را از هنر وی دچار مشکل ساخته است. لذا همین امر انگیزه اینجانب شد که با بررسی و تجزیه و تحلیل آثار به جا مانده از وی، به پاسخ بهتری از پرسشها، دست یابیم.

۴-۱- فرضیات پژوهش

۱- فرض بر این است که محمد زمان هرگز از ایران خارج نشده و به دین مسیحی نگرویده است و تنها به صرف روبرداری از نقاشی های اروپایی و هندی در آن زمان و همچنان ارتباط با تجار و هنرمندان اروپایی در اصفهان و ارمنیان ساکن جلفای نو، در معرض تاثیرپذیری از هنر اروپایی قرار گرفته و شیوه و اسلوب تلفیق خاص خود را ایجاد نموده است.

۲- به نظر می رسد که محمد زمان دربار گورکانیان هند، با محمد زمان تاریخ نقاشی ایران تنها تشابه اسمی دارند و هرگز محمد زمان به دربار گورکانیان هند نرفته است.

۳- احتمالاً هر سه امضا «محمد زمان»، «یا صاحب الزمان» و «زمان» متعلق به یک نفر و آن هم محمد زمان نقاش خلاق سده یازدهم هجری است.

۴ - وجود موضوعات مسیحی در نقاشی محمد زمان، دلیل اعزام وی به ایتالیا و تغییر مذهبش نیست، زیرا او مجالس مذهبی دیگری چون ذبح اسلامی را نیز به روش اروپایی نقاشی کرده است. پس فرض بر این است که وجود چنین مضامینی در این زمان، تنها به دلایلی دیگر، چون تجربه نمودن مهارت هنرمندانه شان در ترسیم چنین مجالسی صورت گرفته است.

۵ - به نظر می رسد گرایش نقاشانی چون محمد زمان به نقاشی اروپایی، تنها یک ضرورت برای تحول در نقاشی ایرانی در شرایط اجتماعی و فرهنگی آن دوران و همچنین ادامه مسابقه رویکرد واقعگرایانه نگارگران پیشین و نیز سرمشق قرار دادن نقاشی گورکانی گراورهای اروپایی، بوده است.

۶ - محتملا، محمد زمان هرگز به دین مسیحیت نگرویده است و نام پائولو زمان را برای خود برنگزیده است، چرا که در پای هیچ یک از مجالس نقاشی شده توسط وی با موضوعات مسیحی، نام پائولو زمان درج نشده است.

۵ - پیشینه پژوهش

به سبب تاثیرپذیری نقاشی ایرانی از هنر اروپایی و هندی در این زمان، هنر سده یازدهم از اهمیت خاصی برخوردار است و هنر شناسان و محققان بسیاری به طور عام به بررسی و تحقیق درباره آن پرداخته اند.

اما به طور اخص، در مورد هنرمند پرآوازه سده یازدهم تاریخ نقاشی ایران، محمد زمان، که وی را بعد از بهزاد و رضا عباسی، شخصیتی برجسته و خلاق در هنر و تاریخ نقاشی

ایران می‌دانند، تحقیقات متفاوتی از آغاز سده بیستم هم توسط محققان و پژوهشگران خارجی و هم توسط هنرشناسان ایرانی صورت گرفته است که هر کدام نیز به نتایج متفاوتی رسیده‌اند. به عنوان مثال از دو تحقیق مفصلی که با دو نتیجه متضاد می‌توان از آنها یاد کرد، یکی در سال ۱۳۴۱ شمسی در دوره سیزدهم، شماره ۹-۱۰، صفحات ۱۰۰۷ الی ۱۰۱۶، مجله سخن، استاد فرهیخته مرحوم یحیی ذکا، به چاپ رسانیده است (این مقاله در سال ۱۳۵۴ ش در کتاب گزیده‌ای از نوشته‌ها به هنگام گشایش موزه نگارستان، تجدید چاپ شد) و دومی در سال ۱۳۶۹ شمسی، توسط محمد علی کریم زاده تبریزی صورت گرفته است.

در اولی عنوان شده است که محمد زمان به فرمان شاه عباس دوم به اروپا اعزام شده است، اما در دومی گفته می‌شود که محمد زمان هرگز از ایران خارج نشده است.

نظر به این توضیحات، و با توجه به این که این تحقیقات برجسته را هرگز نمی‌توان نادیده گرفت، و با علم به این موضوع که بدون وجود اسناد و مدارک تاریخی مستدل نمی‌توان نکات تاریک و مبهم زندگی یک شخصیت تاریخی را مورد بررسی قرار داد، انگیزه‌ای شد برای اینجانب که با بررسی و تجزیه و تحلیل گزیده‌ای از آثار او، مجهولاتی را برای خود آشکارتر سازم.

در جستجویی در پایان نامه‌ها نیز، هیچ رساله‌ای را که به طور خاص به زندگی و هنر محمد زمان پرداخته باشد نیافته و در کتب تاریخی نقاشی نیز تنها به معرفی این هنرمند و ویژگی سبک خاص اش به طور کلی پرداخته شده و فرضیات و سوالات مختلف درباره

هنر و سرنوشت او در ذهن خوانندگان این کتب تاریخ نقاشی، همچنان مبهم و بی پاسخ مانده است.

۱-۶-۱- اطلاعات مربوط به روش شناسی پژوهش

۱-۶-۱-۱- تعریف جامعه آماری و ویژگی های آن: گزیده ای از مهمترین نقاشیهای محمد زمان جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می دهد که همگی دارای ویژگیهای اواخر سده یازدهم، تلفیقی از عناصر اروپایی، هندی و ایرانی است.

۱-۶-۲- روش نمونه گیری و حجم تقریبی نمونه

در این پژوهش از روش انتخابی استفاده شده است. حجم نمونه ۷۰٪ می باشد.

۱-۶-۳- ابزارهای سنجش، مقیاس های سنجش

فیش برداری از منابع مختلف تاریخی، هنری و مقالات موجود در رابطه با تاریخ نگارگری ایرانی، به ویژه هنر اواخر سده یازدهم (عصر صفویه)، استفاده از مقالات و کتب اینترنتی برخی عکس های تهیه شده از آثار محمد زمان از کتب مختلف هنری، از دیگر ابزار سنجش است و تمامی آنها دارای پایایی می باشد.

۱-۷- روش تجزیه و تحلیل داده ها

تجزیه و تحلیل داده ها به روش تطبیقی و تحلیل محتوا است. به این ترتیب که با مشاهده هر تصویر به صورت مجزا، اثر را از نظر فرم، رنگ، ترکیب بندی و تجزیه و شناخت عناصر مختلف (اروپایی، هندی، ایرانی) بررسی کرده سپس به تحلیل مضامین و مفاهیم بکاررفته در تصاویر و بررسی موضوع نگاره ها پرداخته و برخی عناصر و ویژگیها را در تطبیق با یکدیگر شناسایی نموده و سعی شده که براساس همین تجزیه و تحلیل به پرسشها و فرضیات پیش آمده درباره تحقیق، پاسخ قابل قبولی داده شود.

فصل دوم:

آشنایی با ایران دوره صفوی (سده یازدهم هجری
قمری)

ایران دوره صفوی :

آشنایی با تاریخ دوره صفویه

«سلسله صفوی که دارای منشا ترکی بود، سلسله ملی ایران در روزگار جدید است. از آنجا که شاه اسماعیل، موسس این سلسله زمانی تاجگذاری کرد که ایران هنوز در قلمرو نفوذ ترکان و مغولان قرار داشت و از آنجا که در سالهای پایانی این سلسله دوره ای از نیابت سلطنت پدید آمد، لذا تعیین تاریخ دقیق این سلسله دشوار است، ولی همگان بر آنند که این سلسله از سال ۱۵۰۲ / ۹۰۸ تا ۱۱۴۹/۱۷۳۶ ادامه یافت.» (اسکارچیا، ۱۳۸۴، مقدمه)

پس از مرگ یعقوب بیگ در سال ۸۹۵ ه.ق. (۱۴۹۰ م) آشفتگی و منازعات چندی بر سر جانشینی او برپا شد که برای مدتی خطری بزرگ در غرب آناتولی پدید آورد. اشتیاق همگان برای رهایی از اوضاع نابسامان و آشفته، صحنه را برای ورود یک منجی آماده کرد. از این رو اسماعیل (۹۰۶-۹۳۰ ه.ق / ۱۵۰۱/۱۵۲۴ م) فرزند شیوخ صفویان شیعی مذهب اردبیل که با رشادت های خود و به یاری هواداران گوش به فرمانش توانست بر آشفتگی اوضاع و هرج و مرجی که بر ایران سایه افکنده بود، خاتمه دهد، در نهایت سرتاسر ایران را از غرب تا شرق و از شمال تا جنوب تحت سلطه خود درآورد. صفویان مذهب تشیع را مذهب رسمی ایران اعلام کردند. «آنها طرفداران خود یعنی ترکمانان قزلباش (به ترکی سرخ سر، که تاج دوازده ترک آنها علامت دوازده امام بود) را در شرق آناتولی جزو ساخت زیربنایی حکومت خود کرده و نیروهای مسلح را تجدید سازمان